

## بسم الله الرحمن الرحيم

◆ مناسبت : آغاز ولایت امام مهدی عج الله تعالی فرجه

◆ موضوع : سازمان وکالت تمرین ولایت پذیری امت برای دوران غیبت امام زمان

◆ عنوان : حیاتی ترین راهبرد امامت برای دوران غیبت

◆ پیام : ولایت مقام معظم رهبری ادامه سازمان وکالت و تمرین ولایت پذیری از امام زمان

◆ ماهیت بحث : تبیین سازمان وکالت ائمه و فلسفه راه انداختن آن برای اثبات لزوم تبعیت از مقام

معظم رهبری به عنوان آخرین رشته این شبکه وکالت

### ایجاد انگیزه

وقتی خوب به دوران امامت امام عسگری علیه السلام نگاه میکنیم ، خواهیم دید که شباهت زیادی بین دوران امام عسگری و فرزند شان امام مهدی عج الله تعالی فرجه وجود دارد. اگرچه دوران امامت امام عسگری جزء عصر حضور ائمه شمرده می شود . اما در مقام عمل ارتباط خیل کثیری از مردم با این امام همام قطع بود.

کنترل و نظارت همه جانبه از طرف حکومت، بر امام به اندازه ای بود که امام مجبور بود، هر دوشنبه و پنج شنبه در دربار حضور یابد. همچنین حضرت در طول امامت شش ساله شان، چندین بار توسط خلفای عباسی زندانی شد .<sup>۱</sup>

نیم نگاهی به تاریخ زندگی امام(ع)، بیانگر آن است که در مقطعی از دوران زندگانی ایشان حتی امکان دیدار مستقیم میسر نبوده و مردم تنها در مجامع عمومی امام را می دیدند، بدون اینکه بتوانند ابراز احساساتی داشته باشند؛ علی بن جعفر از حلبی نقل می کند: «در یکی از روزها که قرار بود امام به دارالخلافه برود، ما در عسکر به انتظار دیدار وی جمع شدیم. در این حال از سوی آن حضرت توقیعی به این مضمون به دست ما رسید: «أَلَا يَسْلَمَنَّ عَلَيَّ أَحَدٌ وَلَا يَشِيرُ إِلَيَّ بِيَدِهِ وَلَا يَوْمِي فَإِنَّكُمْ لَا تَتُومِنُونَ عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ؛ کسی بر من سلام و حتی به طرف من اشاره هم نکند؛ زیرا در امان نیستید»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۴.

<sup>۲</sup> بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

این دستور امام در حقیقت دستور به تقیه از سوی شیعیان بود تا حضرت به این وسیله بتواند از شیعیان خود پاسداری کند و آن‌ها شناخته و در دام هلاکت حکومت گرفتار نشوند؛ زیرا حرکت‌های غیر اصولی، خطر بزرگی برای نهضتی مانند نهضت شیعه در آن زمان بود و امکان داشت آنان را به سمت نابودی پیش برد؛ بنابراین امام با ایجاد رابطه‌های تشکیلاتی، مکاتباتی و تدابیر امنیتی، یاران و شیعیان خود را هدایت می‌کرد. در روایتی از احمد بن اسحاق آمده است:

«به حضور امام رسیدم و از ایشان درخواست کردم چیزی بنویسد تا من خط او را ببینم که اگر نامه‌ای از او رسید، خطش را بشناسم. امام فرمود: خط من گاهی با قلم باریک و گاهی با قلم پهن است، اگر چنین تفاوتی مشاهده کردی، نگران نباش»<sup>۳</sup>

### اقناع اندیشه

خب در این شرایط که ارتباط امام با مردم قطع می‌شد چه باید کرد؟ چگونه می‌توان هدایت و امامت جامعه را پیشبرد؟

شیعیان در زمان امام عسگری هم (با کمی تفاوت) شبیه دوران فعلی ما از امام خود تا حدود زیادی محروم بودند. لذا ائمه یک راهبرد حیاتی را تقریباً از زمان امام صادق علیه السلام کلید زدند.

### تشکیل سازمان وکالت

عوامل متعددی در شکل‌گیری سازمان وکالت نقش داشته است که می‌توان آنها را در موارد زیر خلاصه کرد

۱ - بی‌تردید بسط و گسترش مکتب اهل بیت، گسترده‌گی سرزمین‌های اسلامی و پراکندگی جمعیت شیعه و دشواری رفت و آمد و مواصلات در آن اعصار از یک سو و نیاز مبرم شیعیان به راهنمایان مورد اعتماد جهت رفع شبهات و نیازهای عقیدتی و فقهی در دنیای آن روز که مملو از خطوط و جریان‌های رنگارنگ سیاسی و مذهبی بود، از سوی دیگر، عامل نخست شکل‌گیری سازمان وکالت بود.

۲ - پیدایش سازمان وکالت همزمان با روی کار آمدن بنی عباس می‌تواند گویای این نکته باشد که سیاست سرکوب و خفقان بنی عباس و برخورد خشن آنان با علویان، به ویژه ائمه معصوم علیهم السلام و پیروانشان، نیز نقش زیادی در پیدایش این تشکیلات به ویژه در کم و کیف این شبکه داشته است؛ چرا

<sup>۳</sup> أحمد بن إسحاق قال: دخلت على أبي محمد فسألته أن يكتب لي خطه فأعزفه إذا ورد فقال نعم ثم قال يا أحمد إن الخط سيختلف عليك ما بين القلم الغليظ و القلم الدقيق فلا تشكك. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص: ۴۳۴

که ائمه علیهم السلام در چنین شرایطی نمی توانستند به راحتی با شیعیان رابطه برقرار کنند و ایشان را به حضور بپذیرند. پذیرش شیعیان از سوی ائمه و حتی صرف اطلاع حکومت از اعتقاد افراد به تشیع، در بسیاری موارد برای شیعیان خطر جانی و حداقل ضرر مالی در پی داشت؛ همچنان که این امر برای ائمه علیهم السلام نیز بدون دردسر نبود. در این جو خفقان و سرکوب، شبکه وکالت که در بین ایشان شخصیت‌های برجسته علمی و مورد اعتماد نیز حضور داشتند، می توانست در صد زیادی از ضایعه عدم امکان دسترسی مستقیم و سهل به محضر ائمه را جبران کند.

۳ - افزون بر این دو عامل، جمع آوری سهم امام و سادات - خمس - و هدایا و نذورات و رساندن آن به دست امام علیه السلام و یا مصرف آن در موارد تعیین شده از سوی ایشان و نیز اداره باغها و مستغلات موقوفه ناحیه مقدسه حضرات ائمه علیهم السلام نیز اقتضای چنین تشکیلاتی را داشت.

۴ - ورای همه موارد فوق، در پیش بودن عصر غیبت و لزوم ایجاد آمادگی ذهنی و عملی در میان جامعه شیعه و انس و الفت دادن آنان با دوران غیبت تامه امام عصر علیه السلام را نیز می توان یکی دیگر از زمینه های برپایی شبکه وکالت بر شمرد. دورانی مدید و مبهم و پر حادثه فرا روی شیعه قرار داشت، شرایطی سخت و دشوار برای امت شیعه که از همان دوران ائمه نخستین و حتی از عصر پیامبر به ویژه از عصر صادقین نوید آن داده می شد و از آن به عنوان برهه ای خطیر و پر فراز و نشیب یاد می شد.

تجربه تاریخ انبیا و سیره معصومان علیهم السلام — که در جهت سنتهای الهی است — پیوسته بدین منوال بوده که هرگاه امری خطیر در انتظار جامعه بشری به ویژه جامعه اسلامی بوده، از سالها و بلکه قرن‌ها پیش زمینه ذهنی و عملی این گونه تحولات در افکار نسل‌های متوالی فراهم می شده است تا حجت بر همگان تمام باشد. بی تردید مسئله غیبت امام عصر علیه السلام از این گونه وقایع تاریخ بشر و یکی از مهم ترین آنها است.

بنابر این، می توان گفت که ائمه علیهم السلام با تأسیس و گسترش نظام وکالت به تدریج به جامعه شیعه آموختند که در طی دوران غبار گرفته و مه آلود غیبت کبرا چگونه باید هویت و انسجام خود را حفظ کنند؛ از چه کانال‌هایی مشکلات فکری، سیاسی و اجتماعی خود را حل و فصل نمایند و جنبه مالی نظام امت و امامت را همچنان به پیش برند.

شاید شما بگید که خب اگه ارتباط نباشد از مشکلات مردم خبر دار نمی شوند و نمی توانند با واسطه وکالت از جزئیات زندگی مردم با خبر شوند.

اما اینگونه نبوده است. علم ائمه علیهم السلام نیازی به ارتباط مستقیم نداشت.

ابوالقاسم سعدبن عبدالله اشعری قمی روایت می کند: مسائل چندی داشتم که می خواستم شخصا از امام حسن عسگری علیه السلام سؤال نمایم لذا با احمد بن اسحاق که وکیل امام بود بحضور امام عسگری شرفیاب شدیم و احمد کیسه های زری با خود داشت که شیعیان بوی داده بودند تا تقدیم امام نماید ، وقتی اجازه حضور و شرفیابی یافتیم و بر حضرت وارد شدیم طفلی را در حضور امام دیدیم در کمال حسن و جمال ، احمد همیان را نزد امام نهاد و امام به آن طفل فرمود : اینها تحف و هدایای شیعیان تو است . همیان را بگشای و متصرف شو . کودک گفت : مولای من آیا سزاوار است که دست پاک خود را به مال حرام دراز کنم ؟

امام عسگری به احمد بن اسحاق فرمود : پسر اسحاق همیان را بگشای و آنچه در او است بیرون آور تا صاحب الامر حلال را از حرام جدا سازد. احمد همیان را گشود و کیسه ای را بیرون آورد و امام زمان عج فرمود : این کیسه مال فلانی است که در قم محله فلان ساکن است و در آن ۶۲ اشرفی (سکه طلا) است ، ۴۵ عدد از آن قیمت ملکی است که از پدر به او رسیده و فروخته است و ۱۴ اشرفی بهای لباسهایی است که فروخته است و سه اشرفی هم اجاره بهای دکان است . امام حسن عسگری علیه السلام : فرمود راست گفتی پسر ، بگو در میان آنها چه چیز حرام است ؟

امام زمان علیه السلام فرمود : یک سکه زری که در تاریخ فلان ضرب شده و یک دینار قیچی شده ناقص که یکدانگ و نیم است این دو دینار حرامند و ما بقی حلال و علتش هم این است که خریدار ملک مقدار یکمن و نیم ریسمان این شخص نزد همسایه اش بود که به سرقت رفت و صاحب ریسمان تصدیق گفتار همسایه را نکرد و تاوان از او خواست و ریسمانی باریکتر از ریسمان مسروقه اما با همان وزن تاوان گرفت و فروخت و این دو دینار بهای آن است و حرام می باشد .

وقتی احمد کیسه را گشود دو دینار به علامت و نشانیهایی که امام زمان عج فرموده بود پیدا شد که احمد جدا کرد و باقی را تسلیم آنحضرت نمود و کیسه دیگری را از همیان بدر آورد ، امام زمان علیه السلام فرمود : این مال شخص ساکن فلان محله قم است و محتوی پنجاه سکه اشرفی است و ما دست به سوی آن دراز نمی کنیم . عرض شد چرا ؟

فرمود این بهای گندمی است که بین مالک و برزگانش مشترک بوده و به هنگام توزین سهم خود را بیشتر کیل گرفت و مال برزگران در آن است . امام حسن عسگری علیه السلام فرمود : راست گفتی پسر . سپس به احمد فرمود: این کیسه ها را بردار و وصیت کن که به صاحبش برسانند .

سعدبن عبدالله در مقام پرسش مسائل خود از امام عسگری علیه السلام برآمد که امام فرمود: از فرزندم پیرس . و اشاره به حضرت صاحب الزمان ع فرمود و سعد مسائل خود را مطرح کرد و پاسخ کافی و وافی دریافت نمود

و حتی بعضی از مسائل که از خاطرش محو شده بود . حضرت حجت بن الحسن عسگری علیه السلام بیادش آورد و پاسخ آنها را هم بیان فرمود<sup>۴</sup>

## پرورش احساس

و اگر این شبکه وکالت نبود و ارتباط امام با امت قطع می شد کما اینکه برخی تلاش کردند و خواستند این ارتباط را قطع کنند، الآن از اسلام و جامعه اسلامی خبری نبود.

شما برخورد امام زمان ارواحنا له الفداء با جناب شلمغانی رو ببینید به این امر مهم پی میبرید. شلمغانی از فقهای امامیه بود و آثار متعددی درباره عقاید و فقه شیعه نوشت. و شیعیان از آثار او استفاده های علمی و اعتقادی بسیاری میکردند.<sup>۵</sup>

شلمغانی در بغداد مقامی بالا داشت و هدایت فعالیت های امامیه را در بغداد و کوفه سال ها به عهده داشت. اما او متأسفانه پس از مدتی از بیعت حسین بن روح خارج شد و عقاید خود را تبلیغ نمود.

در باره علت این اقدام شلمغانی گفته شده است که وی در جاه طلبی بی صبرانه سیاسی خود شهره بود و ممکن است امید را برای دستیابی به قدرت در آینده ای نزدیک، پس از دستورات امام دوازدهم به این روح از دست داده باشد. بنا براین دستورات امام دوازدهم را نادیده انگاشت و در جستجوی دیگر گروه ها رفت تا به جاه طلبی سیاسی خود جامه عمل بپوشاند.

ابن روح پس از کشف عقاید الحادی شلمغانی، وی را از سمت خود برکنار کرد و الحادی بودن عقاید او را در همه جا منتشر ساخت و از وکلا خواست تا روابط خود را با وی (ابن روح) بیشتر کنند. اما برخی به ارتباطشان با ایشان ادامه دادند به همین دلیل ابن روح، موضع شلمغانی را برای تمام امامیه فاش ساخت و او و همه کسانی که به حرفهایش گوش می دهند را، طرد کرد.<sup>۶</sup>

شلمغانی پس از آنکه طرد شد این عقیده را تبلیغ می کرد که وی و نه ابن روح، نماینده راستین (سفیر) امام دوازدهم

است.<sup>۷</sup>

<sup>۴</sup> تنقیح المقال/ج ۲/ص ۱۸

<sup>۵</sup> طوسی؛ الغیبه، صص ۱۵۸ و ۲۲۱

<sup>۶</sup> طوسی؛ الغیبه، ص ۲۵۴

<sup>۷</sup> ابن اثیر؛ الكامل، ج ۸، ص ۲۱۸

در واقع با این حرکت مقابل جریان نیابت ایستاد و از اطاعت نایب امام خارج شد و توده ای از مردم را نیز با این حرکت، از مسیر تبعیت از نایب امام خارج کرد و فتنه ای راه انداخت که نتیجه این فتنه و پیامدهای درازمدت این فتنه مقابله بخشی از جامعه اسلامی و برخی خواص دارای بدنه اجتماعی، با نایب امام و ولی امر زمان خود بود. پس از این ادعا و پس از ادعاهای واهی اعتقادی که بروز داد امام علیه السلام طی نامه ای براءت خود را از شلمغانی اعلام کرد و فرمود :

محمد بن علی، معروف به شلمغانی، از کسانی است که خداوند کیفر او را تعجیل کند و مهلتی به او عطا نفرماید. او از اسلام منحرف شده و خود را از آن جدا ساخته است. وی از دین خدا مرتد شده و ادعاهایی می‌کند که دلالت بر انکار ذات خداوند متعال دارد. دروغ پردازی و دروغگویی می‌کند. باطل‌ها را بر زبان می‌آورد و متخلف بزرگی است. آنان که به خدا نسبتی باطل می‌دهند در خطای محض بوده و مسلماً در خسران‌اند. در حقیقت براءت خود را در محضر خداوند متعال و پیامبر و خاندان گرامیش صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین (از هر گونه رابطه‌ای با شلمغانی) اعلام می‌داریم.

به او (یعنی، شلمغانی) لعن می‌فرستیم، و لعنت دائم خداوند بر او باد، در آشکار و نهان، در هر زمان و مکان. و (لعنت خداوندی) بر موافقان و پیروان او باد، و نیز بر آنان که با شنیدن این اعلام پیوند خود را با او ادامه دهند.

بنابراین به اطلاع آنان (وکلاهی امامیه) برسان که خود را از او حفاظت کرده و احتیاط می‌کنیم، آنچنان که در برابر پیشینیان او همچون شریعی، نمیری، هلالی، بلالی و دیگران چنین کردیم و دیدگاه مشابهی داشتیم. راضی به سنن الهی هستیم. خداوند ما را در تمام امور کفایت می‌کند و بهترین نگهبان است».<sup>۸</sup>

در ظاهر اگر بخواهیم این جریان را تحلیل کنیم نباید امام خود را خرج یک نفر میکردند و برای این ادعاهای واهی اینطور نامه اعلام براءت منتشر کنند.

اما اگر به نگاه دقت تحلیل کنیم، یک شخصی در این جایگاه وقتی ادعای ارتباط با امام میکند و خود را نایب امام معرفی میکند و از مردم میخواهد که از او تبعیت کنند در واقع او دارد به سازمان وکالت و شبکه نیابت لطمه وارد میکند و مقابل نایب امام قد علم میکنند و اعتماد مردم را به بازی گرفته و هماهنگطور که چند لحظه قبل عرض شد این حرکت موجب تقویت جریانات ضد ولایت و ضد نیابت امام و ایجاد آشوب های سیاسی و اجتماعی و در نتیجه تضعیف حکومت اسلامی و قوای اسلام می شد لذا بسیار به جا بود که امام زمان ارواحنا فداه

<sup>۸</sup> طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۵ - ۴۷۴؛ طوسی، الغیبه، ص ۴۱۰.

با این جریان مقابله نمایند و به این صورت ایشان را لعن کنند و این نامه امام در راستای تقویت فلسفه وجودی خود امام شبکه وکالت است.

## رفتار سازی

اساساً فلسفه وجود امام این است که بعد از رسول خدا که امانتِ خدای متعال رو در بین جامعه منتشر کرد - که این امانت دستورالعمل زندگی که همان قرآن باشد- یک انسان آشنا به این امانت و امانتدار در بین مردم باشد که هم این امانت را حفظ کند و هم این که این دستورالعمل را پیاده و عملی کند.

و این شبکه وکالت هم از روی دغدغه و اهمیت بقاء و حفظ جامعه اسلامی شکل گرفت.

اگر امام در زمان حیات خود جامعه مسلمین برای او اهمیت دارد پس قطعاً نسبت به جامعه ای که امام در بین آن نیست دغدغه دارد و برای آن برنامه دارد.

شاید بشود گفت که یکی از اهداف شبکه وکالت برای آمادگی جامعه اسلامی نسبت به مراجعه به غیر معصوم و غیر امام است.

اگر بگوییم اهل بیت علیهم السلام این دغدغه رو نداشتند به این معناست که اهل بیت نسبت به تمام تلاش های انبیاء الهی خصوصاً پیامبر آخرالزمان در مبارزات و زحمتهای و خون دهایی که خوردند تا جامعه هدایت بشه بعد از یازده امام باید بگویند دیگه مهم نیست جامعه به چه سمت و سوی حرکت خواهد کرد؟! یا اینکه اهمیتی ندارد که اسلام به چه سرنوشتی دچار خواهد شد!؟

اگر کسی اندک عقلی داشته باشد قطعاً این احتمال را بدون تردید رد خواهد کرد.

به همین علت، اهل بیت علیهم السلام با تدابیر گوناگونی جامعه رو برای این چنین روزی آماده کردند اهل بیت قبل از امام عصر با شبکه وکالت و ارجاع مردم به نایبان خود و امام عصر ارواحنا فداه با شبکه نایبان خاص که در این زمان ارتباط مردم با امام فقط از طریق این نواب بود.

بنابراین امروز هم امام عصر نایب دارند و در واقع جانشین دارند، که این جانشین یک فقیه مدیر و سیاستمدار و اهل تقوا هستند مثل نایبان خاص که همه از فقهاء و دین شناسان بودند.

و این دستور اهل بیت هست که در زمان غیبت امام و وقتی دسترسی به امام ندارید به نایبان من مراجعه کنید.

امروز نایب امام زمان، مقام معظم رهبری هستند.

ملاک تشخیص این مسأله هم در روایات متعددی ذکر شده که مجال ذکر آنها نیست، روایاتی چون: و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم<sup>۹</sup> یا روایت شریف: و اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً لهواه و مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه.

که در روایت اول تصریح میکنند که فقهاء دارای شرایط نایب و حجت من بر شما هستند و در حدیث شریف دوم ملاکهای رو اعم از اخلاقی و سیاسی و اجتماعی ذکر میکنند و میفرمایند که: اولاً باید حافظ نفس خود باشد یعنی مراقب نفس سرکش خود باشد که رام او باشد نه او رام نفسش باشد.

دوم اینکه حافظ دین باشد، حافظ دین یعنی اینکه توانایی حفظ دین در سطوح مختلف را داشته باشد و این یکی از مهمترین وجوه نیابت است چون انسان هرچه هم تقوا داشته باشد و حتی عصمت در گناه هم داشته باشد ولی توانایی حفظ دین خدا را نداشته باشد و برای این مسأله تدبیری نداشته باشد نمیتواند از امام نیابت و نمایندگی کند به این دلیل که یک حیث مهم و قابل توجه امام که فلسفه امامت اوست حفظ و مراقبت از دین است مراقبتی که امام حسین علیه السلام حاضر شد تمام زندگی خود را بدهد ولی از این وظیفه و حیث دست بردارد اگر این نبود که امام برای دینداری خود مشکلی نداشت حتی برای اینکه احکام دین را به معدود جامعه اطراف خود بیان کند نیز مشکلی نداشت اما امام دید تا حکومت را تغییر ندهد نمیتواند دین را پیاده کند، کسانی که دین اسلام را فارغ از سیاست به معنای حکومت میطلبند دین را کامل نشناختند، سیاسی ترین مکتب و دین، مکتب اسلام است و اتفاقاً آنجا که مصلحت و شرایط اقتضاء کرد و مستقیم با حکومت جور مقابله شد تا حکومت، اسلامی شود اینقدر تاثیرگذار بود که حتی بدون اینکه به هدف خود یعنی تشکیل حکومت اسلامی برسد دنیا را متحول کرد چه رسد که این تقوی به عمل می انجامید.

پس حفظ دین به معنای حفظ دین خود در گوشه منزل عزلت خود نیست چون میخواهد نمایندگی از امامی کند که اصلاً عزلت گزینی را تقوا نمیداند.

پس باید توانایی حفظ دین را داشته باشد و اگر بخواهیم امروزی بیان کنیم باید بتواند به اسلام اقتدار ببخشد.

شرط دیگر نایب و وکیل امام این است زندگی خود را با تمایلات و نفسانیات و خواسته های خود پیش نبرد یعنی در یک کلام خودکامه و خودخواه نباشد.

شرط دیگر نایب این است که تابع امر مولا و امام خود باشد.

---

<sup>۹</sup> کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۴۸۴



امام امر کردند که اگر بگردید اینچنین شخصی را پیدا کنید و از او تبعیت کنید «فللعوام أن یقلدوه» مردم وظیفه دارند تبعیت کنند. امام صادق علیه السلام می فرمایند اگر مردم از چنین شخصی در زمان نبود امام تبعیت نکنند کأنّ ما اهل بیت را کنار زده اند و کسی که ما اهل بیت را کنار بزند مثل این است که خدا را مشرک شده است.

خوب الآن که ما مردم نمیتونیم این تشخیص رو داشته باشیم، این وظیفه شناسایی رو به فقهاء سپردیم و آنها یک نفر را تشخیص دادند و وقتی که تشخیص دادند که مقام معظم رهبری همه این ملاکها را دارد ما باید از ایشان تبعیت کنیم.

وظیفه ای که بر دوش ما مردم در زمان غیبت میباشد تبعیت از کسی است که «مطیعا لامر مولا» است.

امام تابع امر خداست و نایب امام باید تابع امر امام باشد.

لذا علامه حسن زاده عاملی فرمودند که گوش شما به دهان مقام معظم رهبری باشد که گوش ایشان به فرمان امام زمان است. این یعنی مطیع امر امام.

کار سختی هم نیست اینکه ما در مسائل سیاسی اجتماعی و دینی خود تابع اوامر ایشان باشیم.

شهداء این رو به ما یاد دادند.

ما انسانها چه مسلمان چه غیر مسلمان در همه مسائل زندگی خود از یک خبره تبعیت میکنیم پس نمیتوانیم بگوییم که تبعیت کار سختی است اصلا ما همه تبعیت داریم پس این تبعیت خود را در مسیر صحیح قرار داده و تابع نایب امام زمان باشیم.

اتفاقا اگر بخواهیم زودتر ظهور اتفاق بیفتد باید تمرین اطاعت پذیری کنیم و این تمرین اطاعت پذیری در خلأ اتفاق نمی افتد بلکه باید در کوران حوادث سیاسی اجتماعی و در فتنه ها و مسائل سخت و متحیر کننده آخرالزمان از یک شخص مورد اعتماد تبعیت کنیم و تمرین کنیم خوب اطاعت کنیم که ساخته بشیم تا امام ظهور کنند.

و این تبعیت وظیفه همه اقشار جامعه است. من که طلبه ام به نحوی شما که عموم مردم هستید به نحوی سیاسیون به نحو دیگری باید اطاعت کنند ولی آنچه مسلم و مشترک بین همه است باسواد و بیسواد سیاستمدار و غیرسیاستمدار عام و خاص تبعیت و اطاعت است.

مثل شهید رضا حجازی که نقل میکنند وقتی حضرت امام در پیام نوروزی شان در سال ۱۳۵۹ به مردم فرمودند عید خودتان را با جنگ زدگان تقسیم کنید، «رضا» کفش را که به مناسبت عید خریده بود به ستاد کمک به جنگ

زدگان تقدیم کرد و به پدرم گفت: «برای من همین کفش های کهنه ای که دارم کافی است، مهم این است که پیام امام اجرا بشود».<sup>۱۰</sup>

البته مسئولین و سیاسیون باید بیشتر نسبت به این مسأله دقت داشته باشند.

برکت این تبعیت را همه این روزها داریم بعینه درک و لمس میکنیم.

از زمانی که مسئله مذاکره با آمریکا مطرح شد بر سر مسأله هسته ای، حضرت آقا فرمودند از مذاکره با آمریکا آبی گرم نمی شود و من به مذاکره با آمریکا خوش بین نیستم و آمریکا گرگی است که دستکش مخملین پوشیده و لباس میش تن کرده ولی برخی اصرار داشتند که نه شما اجازه بدید ما مذاکره کنیم و قول میدهیم با مذاکره با آمریکا مشکل ما حل شود.

آخه برخی که یکم درس خونده هستند و چنداصطلاح علم یادگرفته اند تصور میکنند از ولی و امام خودشون بیشتر فهم میکنند و تشخیص آنها دقیقتر است لذا شاید یک وجه اصرار نیز همین بود مثل اینکه همین طیف در دهه هفتاد که مقام معظم رهبری هرچه داد زدند تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، جنگ فرهنگی، برخی لبخند زدند گفتند شما توهم دارید توهم توطئه است، ایشان فرمودند آمریکا دشمن درجه یک ماست لبخند زدند که شما دشمن تراشی میکنید، آمریکا دشمن ما نیست.

اگر به اندازه شهداء که از امام تبعیت داشتند، ما از مقام معظم رهبری تبعیت میکردیم کشورمون الان آباد بود.

شهید مهدی صنعتی ایسک، مصداق بارز ولایتمداری و تبعیت بود و اگر ماها بودیم خیلی بعید بود مثل ایشان عمل کنیم که هنوز دو روز بیشتر از آمدنش از جبهه نگذشته بود که حضرت امام خمینی (ره) در یک سخنرانی به جوانان دستور داد که جبهه ها را پر کنید. دیدم که مهدی آماده ی حضور مجدد در جبهه شده است به او گفتم: هنوز دو روز بیشتر نیست که از جبهه برگشته اید مهدی در جواب من گفت: فرمان امام است و باید به آن عمل کنیم حتی اگر نصف روز باشد که از جبهه برگشته باشیم.<sup>۱۱</sup>

نتایج نگرانی های رهبری را در هر دو مورد امروز داریم بصورت مشهود میبینیم. در مسائل فرهنگی خانواده ها دچار بحران های بسیاری هستند امروزه، بحران هایی که دهه شصت و هفتاد اصلا کسی تصور آن را هم نمیکرد، بحران رابطه های نامشروع و اختلاط های بی قید و بند، اعتیاد به ارتباط و فراگیری ارتباط که دهه هفتاد اصلا کسی اگر پیش بینی هم میکرد به او شک میکردند در مسائل فرهنگی در حال اتفاق است و امروز هم با این تجربه گرانبهاء هرچه رهبری داد میزنند فضای مجازی و دنیای ارتباطات اینترنتی و مجازی مدیریت و سازماندهی شود گوش هیچکس

<sup>۱۰</sup> منبع: کتاب سیرت شهیدان، صفحه: ۱۳۸

<sup>۱۱</sup> اطلاعات دریافتی از کنگره سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استانهای خراسان

بدهکار نیست و امروز شما هر روز از اخبار یک فاجعه ای که منشأ آن فضای مجازی است میبینید و یکی از مسئولین مربوطه چند روز قبل میگفت که ما اصلا بنا بر محدود کردن فضای مجازی نداریم.

در مسائل سیاسی و دشمنی آمریکا هم امروز برخی با این تجربه گرانبهاء از این تجربه استفاده نمیکنند.

برخی ایراد میگیرند که فقیه که نمیتواند در مسائل سیاسی صاحب نظر باشد کجایند این افرادی که این اشکال رو میگرفتند ببینند که امروز پس از سه سال تکرار و اصرار مکرر رهبری بر عدم اعتماد به آمریکا و صادق نبودن آمریکا و گرگ بودن آمریکا اثبات شد که دقیقا همان چیزهایی که ایشان پیش بینی میکردند در حال اثبات است و آنچه ایشان در خشت خام میدیدند آقایان به اصطلاح سیاستمدار و دیپلمات در آینه نمیدیدند.

من از شما مردم عزیز که همیشه دارای بصیرت و فهم سیاسی خوبی هستید و در مواقع نیاز وظیفه بصیرتی و سیاسی خود را خوب انجام داده اید سوال میکنم واقعا جا نداشت که ما همان روز به توصیه های رهبری گوش میکردیم؟؟

ایشان فرمودند من خوشبین نیستم آقایان گفتند ما خوش بینیم.<sup>۱۲</sup>

ایشان فرمودند باشه مذاکره کنید هرچند من امیدی ندارم ولی مراقب باشید در مذاکرات دست برتر را داشته باشید ولی دیدیم که در مذاکرات، بعضا منفعل عمل میکردیم.

فرمودند خطوط قرمزی وجود دارد که باید محفوظ بماند ولی خودشان اعتراف کردند که برخی خطوط قرمز رعایت نشد.

فرمودند برای امضاء برجام، امضاء کتبی و تعهد کتبی برای رفع تحریمها بگیریید و توصیه های متعددی کردند که تقریبا هیچکدام محقق نشد.

فرمودند در امضاء، و قبول این سند شتاب نکنید و نظرات مخالفین را هم بشنوید شاید نکته ای داشته باشند اما برخی طی ۲۰ دقیقه سند به این مهمی که ۱۲ سال در جریان بوده را امضاء کردند و اجازه ندادند مخالفین صحبت کرده و نظر دهند.

فرمودند تایید برجام مشروط به رفع تحریمها در روز اجراء باشد و اقدامات داوطلبانه همراه با رفع تحریمها باشد مسئولین عجولانه قلب را کتور اراک را با بتن پر کردند، سانتریفیوژهایی را که به قیمت خون و جان دانشمندان کسب کردیم را از بین بردند و آب سنگین را به اجبار آمریکا فروختیم ولی آمریکا هیچ کار مهم و اساسی انجام نداد.

---

<sup>۱۲</sup> من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره، لکن میخواهند مذاکره کنند، بکنند. فارس نیوز. // دکتر روحانی: "با شناختی که از دنیا و مسئله دارم بدبین نیستم. دیدبان.

اینکه برخی میگویند خوب بعضی از تحریمها که برداشته شده؛ اولاً برخی از تحریمهایی که برداشته شده جزئی است ثانیاً متزلزل است و ثالثاً در قبال از بین رفتن صنعت هسته ای از بین رفته که متخصصین این امر به جزء یک نفر که او هم بازیکن این مذاکرات است، اذعان دارند که برخی زیربناها نابود شده و اثری از آنها نیست.<sup>۱۳</sup>

به راستی چرا برخی اصرار دارند که از امام خود که نائب امام زمانه تبعیت نکنند.

اگر شهداء الگوی ما هستند و ما با سرکشی به خانواده های آنها یادشون رو گرامی میداریم ارزش این شهداء به تبعیت از امامشون بوده و إلا صرف جنگیدن که ارزش نیست کم انسان در طول تاریخ برای وطنش کشته شده؟؟ چرا اسمی ازشون نیست مثل شهدای ما؟؟ ارزش این شهداء به تبعیت از امام بوده و ما باید این رو یاد بگیریم.

از شهید زین الدین نقل میکنند از ۴ دانشگاه برای شهید زین الدین دعوتنامه اومد. یه شب رفت تهران که با دوستش که از پاریس اومده بود مشورت کنه ببینه چه چیزایی برا تحصیل نیازه تا با خودش بیره. دوستش گفت: من ۳ ساله که تو پاریس درس میخوندم یه روز رفتم خدمت امام خمینی (رحمة الله علیه) ایشون فرمودند: برگردید ایران، اونجا بیشتر به وجودتون نیازه. آقا مهدی تا این رو شنید از رفتن پاریس منصرف شد. موند ایران و با شرکت در تظاهرات، برای پیروزی انقلاب تلاش کرد.<sup>۱۴</sup>

باید به مقام معظم رهبری اعتماد تام داشته باشیم و از ایشون تبعیت کنیم کسانی هم که در مدیریت ایشون تردید دارند اگر در مسائل مختلف در این بیست و چندساله مرور کنند میبینند آنچه که ایشان تدبیر کرده اند بهترین تدبیر است.

وقتی ما تصور میکنیم فهم ما تشخیص ما تخصص ما بیشتر است نتیجه این می شود که بعد از سه سال و بعد از، از بین بردن سرمایه های زیادی از مملکت و با هزینه های گزاف و کلان باید به این فهم میرسیم که این خسارت است. شهید احمدی روشن به ما یاد داد که در هر سطحی از علم و دانش هستی باید مطیع محض امام باشی.

از آدم های سیاسی کشور زیاد انتقاد می کرد. می گفت «...فلان کار اشتباه بوده، فلان کار درست بوده.» بهش می گفتم «...تو که هیچ کی نداشتی بمونه، آخر سر طرفدار کی هستی؟» می گفت «...فقط آقا. هر چی آقا بگه.» گاهی وقت ها که خیلی کار بهش فشار می آورد می گفت «...آرزوی من اینه سرم رو بذارم روی سینه ی آقا و درد دل هایی رو که نمی توئم به کسی بگم، بهش بگم.»<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۳</sup> <http://www.fetani.ir/home>

<sup>۱۴</sup> کتاب با راویان نور، صفحه ۱۳۷.

<sup>۱۵</sup> یادگاران، جلد ۲۲ کتاب شهید مصطفی احمدی روشن، ص ۹۹

اینجاست که متوجه می شویم چرا اهل بیت اینقدر تاکید کرده اند که از نایب ما تبعیت کنید و سالها برای جا انداختن آن خون دل خوردند.

پس بنابراین ما باید در اتفاقات سیاسی جامعه که مهمترین آنها انتخابات آینده است ببینیم تدبیر ایشان چیست همانگونه عمل کنیم انتخاب ما طبق ملاکهایی باشد که ایشان معرفی میکنند نه تبلیغاتهای بعضا فریب دهنده و غیر واقعی که در انتخاباتهای گوناگون دیده ایم که بیشتر از حرفها، عمل و سابقه افراد مهم است.